

بروکلمان، تاریخ الادب العربی، ج ۵، نقله الی العربیة رمضان عبدالنواب، قاهره ۱۹۷۵، اسماعیل بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، در حاجی خلیفه، ج ۵؛ جرجسی زیدان، کتاتب تاریخ آداب اللغه العربیة، [فاهره] ۱۹۱۱-۱۹۱۴، حاجی خلیفه؛ حسین بن احمد، زوزنی، شرح المعلقات السبع، بیروت: دارالجمیل، [بی تا]؛ همو، کتاب المصداق، چاپ نقی بیشر، تهران ۱۳۷۴ ش؛ فواد سرگین، تاریخ التراث العربی، ج ۲، جزء ۱، نقله الی العربیة محمود فهمی حجازی، [ریاض] ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، بغیة الرعاة فی طبقات اللغویین و النحاة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۲؛ شوقی صیف، تاریخ الادب العربی، ج ۱، قاهره [۱۹۷۷]؛ علی بن یوسف فنیفی، انباه الرواة علی انباه النحاة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، قاهره ۱۹۵۰/۱۳۶۹؛ محمد علی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، تهران ۱۳۷۴ ش؛ مثال عطی، «المسنی فی شرح المعلقات السبع للزوزنی: دراسة دلالية تطبيقية فی ضوء نظریات علم اللغة الحديث»، رسالة لنیل درجة دکتورا، جامعة ام درمان الاسلامیة، ۱۴۲۹/۲۰۰۸؛ یاقوت بن عبدالله یاقوت خنوی، کتاب معجم البلدان، چاپ فردیناند دوستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۳، چاپ افست تهران ۱۹۶۵؛ همو، معجم الادباء، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۹۳؛ یحیی فرغل عبدالمحسن، شرح المعلقات: دراسة العلاقة بین التراکیب و الدلالة، العین، امارات متحده عربی ۲۰۰۴/۱۴۲۵.

/ سید اسماعیل حسینی اجداد نیایی /

زوزنی، حمزه بن علی ← حمزه بن علی زوزنی

زوغو، احمد، پادشاه آلبانی. نام او به صورت زوغولی^۱ و زُغ^۲ نیز آمده است و در خارج از آلبانی بیشتر به نام شاه زوغو شناخته می شود. احمد در ۱۸ ربیع الآخر ۱۳۱۳/۱۸ اکتبر ۱۸۹۵ در قلعه بورگاییت^۳، مقر حکومتی ناحیه ماتی^۴، به دنیا آمد. پدرش جمال پاشا رئیس قبیله غق^۵ و حاکم ناحیه ماتی بود و احمد پس از مرگ پدر در ۱۳۲۹/۱۹۱۱، جانشین وی شد. او مدتی بعد به استانبول رفت و مقطع متوسطه را در دبیرستان غلطه سرای استانبول (مکتب سلطانی) گذراند (السی^۶، ۲۰۱۰، ص ۴۹۸؛ خووجه^۷، ص ۲۲؛ آقی یسول^۸، ص ۱۷، پانویس ۷۱؛ فیشر^۹، ص ۲۲؛ یلاویچ^{۱۰}، ص ۱۷۹).

در سده چهاردهم/ اوایل سده بیستم، که موضوع استقلال آلبانی از عثمانی مطرح شد، اسماعیل کمال^{۱۱} با فراخواندن نمایندگان شمال و جنوب اعم از کاتولیک و ارتدوکس، استقلال آلبانی را در ۱۸ ذیحجه ۱۳۳۰/۲۸ نوامبر ۱۹۱۲ در شهر ولوره^{۱۲}

اعلام کرد و به قصد شرکت در اجلاس لندن^{۱۳}، که برای حل و فصل مشکلات ناشی از جنگ بالکان تشکیل شده بود، به لندن رفت. در اجلاس لندن، که از ۱۰ تا ۲۳ جمادی الآخره ۱۳۳۱/۱۷-۳۰ مه ۱۹۱۳ با حضور قدرتهای بزرگ اروپایی تشکیل شد، مقرر گردید آلبانی تحت حکومت شاهزاده ای اروپایی به صورت کشوری مستقل درآید؛ در نتیجه پادشاهی آلبانی را به اتفاق نظر به ویلهلم فردریش هاینریش^{۱۴} / ویلهلم وید، شاهزاده آلمانی، واگذار کردند. همچنین نمایندگان این کشورها در ۱۸ محرم ۱۳۳۲/۱۷ دسامبر ۱۹۱۳ سرزهای آلبانی را مشخص کردند (خووجه، ص ۹، ۲۰-۲۱).

پس از ورود شاهزاده ویلهلم به شهر دورس^{۱۵} / دراج، احمد زوغو در مقام یکی از رؤسای قبایل و اشراف آلبانی به دیدار وی رفت تا وفاداری خود را اعلام کند. ویلهلم نیز با پذیرش این وفاداری، از او درخواست کرد که برای سرکوب شورشها نیرو فراهم کند. زوغو به محض بازگشت به ماتی به نمایندگی از بیشتر مسلمانان منطقه اعلام کرد که آنان به شاهزاده وفادارند و شورشیان در اقلیت اند. احمد زوغو در رأس دو هزار نیروی مسلمان از قبیله ماتی به سمت کوهستانهای شمال غرب حرکت کرد و بدون مقاومت چندانی، شهر کرویا^{۱۶}، پایتخت باستانی آلبانی، را تصرف کرد. او سپس به سوی شهر تیرانا حرکت کرد و در مکانی مشرف به شهر موضع گرفت، اما به یکباره از آنجا عقب نشینی کرد. در نتیجه برخی در دورس شایع کردند که شورشیان منصب ریاست جمهوری آلبانیای مرکزی را به احمد زوغو پیشنهاد کرده اند و او با ترک محاصره آنان مرتکب خیانت شده است، البته او علت حمله نکردن به مقر شورشیان را ضعیف بودن نیروهای خود به سبب پیوستن برخی از آنها به شورشیان اعلام کرد (هیتون - آرمسترانگ^{۱۷}، ص ۱۲۹؛ خووجه، ص ۲۳-۲۴).

با آغاز جنگ جهانی اول (۱۳۳۲-۱۳۳۶/۱۹۱۴-۱۹۱۸)، که قدرتهای بزرگ مناطق مختلف آلبانی را اشغال کردند، شاهزاده ویلهلم در ۱۲ شوال ۱۳۳۲/۳ سپتامبر ۱۹۱۴ آلبانی را ترک کرد. اتریشها که در ۱۳۳۳/۱۹۱۵ بخش عمده آلبانی را به تصرف درآورده بودند، احمد زوغو را به همکاری دعوت کردند. احمد بیگ به دورس رفت که به تازگی مستقیم آن را تخلیه کرده بودند. او در آنجا در صدد تشکیل مجلس ملی و کسب استقلال آلبانی با وفاداری به شاهزاده ویلهلم و تحت سلطنت او

1. Zogolli	2. Zog	3. Burgajet	4. Mati	5. Gheg	6. Elsie	7. Hoxha
8. Akyol	9. Fischer	10. Jelavich	11. Ismā'īl Kemāl		12. Vlorë	
13. London Conference		14. Wilhelm Friedrich Heinrieh/ Wilhelm Wied			15. Durës	16. Kruja
17. Heaton - Armstrong						

ص ۳۲-۳۶؛ فیشر، ص ۲۴-۲۵؛ پیرسون^۵، ص ۱۳۷-۱۳۹؛ نیز
 ← تورناک^۶، ص ۲۲۶.

زوغو که قصد داشت به نخست‌وزیری برسد، زمینه سقوط دولت سلیمان‌بیگ دلوینه را فراهم کرد. پس از آن اعضای شورای نیابت سلطنت که از جاه‌طلبیهای زوغو برای تصاحب سمت نخست‌وزیر بیم داشتند، الیاس وریونی^۷ را برای تصدی نخست‌وزیری معرفی کردند. دولت وریونی نیز به سبب اختلاف‌نظر داخلی بر سر اتخاذ سیاست الحاق‌گرایانه و حمایت از آلبانیایی‌های کوسوو یا به تأخیر انداختن آن تا زمان برقراری ثبات داخلی سقوط کرد. زوغو این بار هم در سقوط دولت مؤثر بود. در دولت بعدی به نخست‌وزیری پاندلی اوانگیلی^۸، زوغو به وزارت جنگ منصوب و مأمور سرکوب شورشیان قبایل شمال شد. با توجه به موفقیت‌های احمد زوغو در این مأموریت‌ها، شورای نیابت سلطنت در ۱۰ آذر ۱۳۰۱ / ۲ دسامبر ۱۹۲۲ وی را، که در این هنگام ۲۷ سال داشت، مأمور تشکیل دولت کرد. او هم‌زمان وزیر کشور نیز بود. زوغو هنگام معرفی دولت در مجلس، هدف خود را گسترش دموکراسی، تدوین پیش‌نویس قانون اساسی جدید، بازسازی ارتش، انجام‌دادن اصلاحات دینی، جذب سرمایه خارجی، توسعه معیارهای (استاندارد) بهداشت و تشکیل دولت مدرن غربی در کشور اعلام کرد. او اصلاحات را از حذف لقب «بیگ» و پسوند «لی» از نام‌خانوادگی‌اش آغاز کرد، چرا که این لقب و پسوند ترکی برای وی یادآور دوره سلطه عثمانی بود. زوغو در آذر ۱۳۰۱ / دسامبر ۱۹۲۲ با دختر شفقت وریانی^۹، از زمین‌داران بزرگ، ازدواج کرد و به این ترتیب خود را به این افراد نزدیک کرد. در دی ۱۳۰۱ / ژانویه ۱۹۲۳، بایرام تسوری^{۱۱} رئیس کمیته ملی دفاع از کوسوو^{۱۱} برضد زوغو قیام کرد. او زوغو را به هواداری از یوگسلاوی و مخالفت با الحاق آلبانیایی‌های کوسوو به آلبانی متهم می‌کرد. زوغو این شورش را سرکوب کرد، اما مخالفانش در آبان ۱۳۰۲ / نوامبر ۱۹۲۳ وی را ناگزیر کردند از وزارت کشور استعفا کند و در مقابل، زوغو نظر مخالفان را برای انحلال مجلس جلب کرد. او در بهمن ۱۳۰۱ / فوریه ۱۹۲۳ به نفع وریانی از نخست‌وزیری نیز کناره گرفت، اما همچنان نفوذ خود را در دولت حفظ کرد (فیشر، ص ۲۵؛ پیرسون، ص ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۱۲؛ خوچه، ص ۵۹؛ پلاویچ، ص ۱۸۰؛ نیز ← کرمتون، ص ۱۴۶).

انتخابات جدید که به سبب بی‌نظمی داخلی و درگیری‌های



احمد زوغو

www.abhamur.net [Feb. 8, 2016]

برآمد، ولی کوشش وی به سبب مساعدت نکردن اتریش بی‌سرانجام ماند. اتریشها این بار احمدبیگ را به همکاری با ارتش دعوت کردند و از او خواستند تا فرماندهی نیروهای داوطلب آلبانیایی را بر عهده بگیرد. آنان ابتدا به احمد زوغو درجه

سرهنگی دادند، اما پس از اطلاع از مذاکرات مخفیانه وی با بلغارها برای استقلال آلبانی، او را به بهانه ملاقات با پادشاه جدید به وین دعوت کردند و به مدت دو سال (تا پایان جنگ جهانی اول) در وین زیر نظر نگاه داشتند. او در این دو سال با فرهنگ غرب آشنا شد و زبان آلمانی فراگرفت (خوچه، ص ۲۷، ۳۰؛ نیز فیشر، ص ۲۲؛ السی، ۲۰۱۰، ص XXXIV). پس از پایان جنگ جهانی اول، تنها واحد سیاسی دولت آلبانی در دورس واقع و تحت سلطه ایتالیا بود و بیشتر نقاط کشور هنوز در اشغال قدرتهای بزرگ بود. این وضع را سران قبایل شمال، زمین‌داران جنوب و روشنفکران استقلال‌خواه نمی‌پسندیدند. از این رو این افراد از ۲۹ ربیع‌الآخر تا ۱۸ جمادى‌الاولی ۱۳۲۸ / ۲۱ ژانویه - ۹ فوریه ۱۹۲۰ همایشی در لوشنیه^۱ تشکیل دادند که احمد زوغو هم در آن حضور داشت. او که جوان‌ترین عضو همایش بود، همراه با نیروهای وظیفه حفاظت از شرکت‌کنندگان در همایش را برعهده داشت. در این همایش که با حضور ۵۶ نماینده تشکیل شد، انحلال دولت تحت حمایت ایتالیا در دورس و تشکیل شورای چهار نفره نیابت سلطنت اعلام گردید که عهده‌دار وظایفی از جمله تعیین نخست‌وزیر شد. شورا وظیفه تشکیل دولت را برعهده سلیمان‌بیگ دلوینه^۲ گذاشت و زوغوی ۲۴ ساله، در دولت وی به وزارت کشور منصوب شد. علاوه بر آن، احمد زوغو به فرماندهی نیروهای نظامی منصوب گردید و وظیفه پاک‌سازی کشور از قوای اشغالگر به عهده وی گذاشته شد. مشکلات داخلی ایتالیا، خروج داوطلبان نیروهای فرانسه از اشغوره^۳ و خروج نیروهای یوگسلاوی که تحت فشار قدرتهای غربی و حملات زوغو صورت گرفت، موجب آزادسازی آلبانی و افزایش شهرت و اعتبار زوغو شد (کرمتون^۴، ص ۱۴۴؛ خوچه،

- | | | | | |
|--|-------------------------|----------------------|--------------------|------------------|
| 1. Lushnjë | 2. Sulejman Bey Delvine | 3. İşkodra | 4. Crampton | 5. Pearson |
| 6. Turnock | 7. Iliaz Vriani | 8. Pandeli Evangjeli | 9. Shefqet Vërlaci | 10. Bajram Curri |
| 11. Committee for the National Defence of Kosovo | | | | |

قانون اساسی و اعلام انحلال شورای نیابت سلطنت، نظام سیاسی آلبانی را، که به ظاهر تحت پادشاهی شاهزاده ویلهلم بود، به جمهوری تبدیل کرد و خود رئیس جمهور کشور شد. سران قبایل اشقودره، کوسوو و دبره^۷ به رئیس جمهور اعلام وفاداری کردند. زوغو نیز زعامت سران قبایل را به عنوان نماینده دولت بر مناطق کوهستانی به رسمیت شناخت و برای هر یک از آنها حقوق تعیین کرد. زوغو در همان سال با به خدمت گرفتن افسران ایتالیایی ارتش منظم، مجهز و آموزش دیده را جایگزین سپاهیان قبایل کرد. او ژاندارمری را به عنوان نیروی پلیس ایجاد کرد و آموزش و فرماندهی آن را به افسران انگلیسی سپرد. زوغو همچنین عفو عمومی اعلام نمود و اختلافات مرزی را با یونان و یوگسلاوی حل و فصل کرد (پیرسون، ص ۲۳۵-۲۴۱؛ کرمتون، ص ۱۴۷؛ السی، ۲۰۱۰، ص ۴۹۹؛ جکس^۸، ص ۳۸۳؛ نیز سه آستین^۹، ص ۷۰۲-۷۰۴).

احمد زوغو با اینکه با حمایت یوگسلاوی به قدرت بازگشته بود، به رقیب این کشور، یعنی ایتالیای فاشیست نزدیک شد، زیرا یوگسلاوی در وضعی قرار نداشت که بتواند نیازهای مالی حکومت زوغو را برآورده سازد. پس از عقد قرارداد تجاری مقدماتی میان ایتالیا و آلبانی، دو کشور پیمان نامه‌هایی با یکدیگر امضا کردند که امکان دفاع مشترک را فراهم می‌آورد و آلبانی را تحت حمایت ایتالیا قرار می‌داد. زوغو همچنین از الگری مدرن‌سازی ایتالیای فاشیست و بنیتو موسولینی^{۱۱}، رهبر آن، پیروی می‌کرد (یلاویچ، ص ۱۸۱-۱۸۲؛ السی، ۲۰۱۰، همانجا؛ نیز سه آق‌پول، ص ۱۷؛ برند^{۱۱}، ص ۱۹۵).

احمد زوغو حمایت مردمی نداشت و بیشتر بر زمین‌داران و رؤسای قبایل متکی بود. او می‌خواست با اعلان سلطنت، قدرتش را تثبیت کند، بنابراین در ۱۰ شهریور ۱۳۰۷/ اول سپتامبر ۱۹۲۸ با کنار گذاشتن نام اسلامی - ترکی احمد و حذف حرف «و» از آخر نامش، خود را شاه‌زغ اول، شاه آلبانیها نامید. زغ در زبان آلبانیایی به معنای پرنده است که با تصویر عقاب در سر بر روی پرچم کشور مناسبت داشت. یوگسلاوها با اعتراض به این مسئله، وی را متهم کردند که به سبب تمایلات الحاق‌گرایانه‌اش در کوسوو خود را پادشاه آلبانیاییها نامیده است. همچنین تأکید کردند او باید خود را فقط پادشاه کشور آلبانی بنامد. البته برای اینکه شاه‌زغ بیشتر به ایتالیا گرایش پیدا نکند، ناگزیر سلطنتش را به رسمیت شناختند. یونانیها نیز نگرانی خود را اعلام کردند، زیرا بسیاری از آلبانیاییها در یونان زندگی می‌کردند. مناسبات ترکیه با آلبانی نیز به سبب تبدیل نظام

مرزی با یونان به تعویق افتاده بود، در ۲۴ دی ۱۳۰۲/ ۱۵ ژانویه ۱۹۲۴ برگزار و بار دیگر زوغو مأمور تشکیل دولت جدید شد، اما خشونت و بی‌نظمی کشور حتی به مجلس نیز رسید و دانشجویی از هواداران اسقف فان نولی^۱، وزیر خارجه پیشین و رقیب زوغو، در مجلس در اسفند ۱۳۰۲/ فوریه ۱۹۲۴ به زوغو تیراندازی کرد و وی مجروح شد و چند روز بعد از بستن نخست‌وزیری استعفا کرد. فان نولی برای مبارزه با نفوذ زوغو، سربازان قبیله ماتنی را که مجلس را محاصره کرده بودند، خلع سلاح و از پایتخت اخراج کرد. فان نولی و یارانش، زوغو را مسئول قتل عونی رستم^۲ (رستم‌بیگ)، قهرمان ملی آلبانی، دانستند و با همراهی دهقانان برضد او قیام کردند. با ورود طرفداران نولی به تیرانا، زوغو به همراه ششصد تن از هوادارانش به کوهستانهای شمال غربی گریخت و سپس به یوگسلاوی رفت. به این ترتیب فان نولی در ۲۶ خرداد ۱۳۰۳/ ۱۶ ژوئن ۱۹۲۴ قدرت را در آلبانی به دست گرفت و دولت جدید را تشکیل داد (کرمتون، همانجا؛ یلاویچ، ص ۱۸۰؛ پیرسون، ص ۲۱۵-۲۱۸، ۲۲۴؛ روزلی^۳، ص ۲۶؛ نیز سه بورگوین^۴، ص ۲۶).

زوغو برای بازگشت به قدرت از ایتالیا کمک خواست، اما وزیر خارجه ایتالیا، با این امر مخالفت کرد. از این رو زوغو به یوگسلاوی روی آورد و با دریافت کمک مالی و تجهیزات نظامی، نیروهای داوطلب را از میان افسران ارتش سفید روسیه که به یوگسلاوی پناهنده شده بودند، استخدام کرد. او همچنین از شرکت نفت ایران و انگلیس^۵ با دادن وعده اعطای امتیازات انحصاری نفت، پنجاه میلیون دینار کمک مالی دریافت کرد و در رأس سربازان مزدور و همکاری بعضی از قبایل و شوهرخواهرش تسنایگ^۶ که از سران قدرتمند قبایل بود، عازم آلبانی شد (یلاویچ، ص ۱۸۰-۱۸۱؛ روزلی، همانجا؛ پیرسون، ص ۲۳۰).

زوغو در ۳ دی ۱۳۰۳/ ۲۴ دسامبر ۱۹۲۴ با پیروزی وارد تیرانا شد. او بلافاصله کسانی را که در انقلاب ژوئن فان نولی شرکت کرده بودند، از ارتش اخراج کرد، خود را فرمانده کل ارتش خواند و در کشور حکومت نظامی برقرار کرد. الیاس بیگ (نخست‌وزیر آلبانی) که در پی انقلاب ژوئن فان نولی به ایتالیا فرار کرده بود، به کشور بازگشت و تحت فشار زوغو به ناچار استعفا کرد. اعضای شورای نیابت سلطنت نیز که به تیرانا بازگشته بودند از زوغو در خواست کردند که دولت جدید را تشکیل دهد. زوغو در ۵ بهمن ۱۳۰۳/ ۲۵ ژانویه ۱۹۲۵ با تغییر

1. Fan Noli	2. Avni Rustem	3. Roselli	4. Burgwyn	5. Anglo-Persian Oil Company
6. Cena Bey	7. Dibra	8. Jacques	9. Austin	10. Benito Mussolini
				11. Berend

منابع:

Gürkan Akyol, "Balkan politikasında arnavutluk (1912 sonrası)", Yüksek lisans tezi, Süleyman Demirel Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, 2007; Robert Austin, "Albania", in *Eastern Europe: an introduction to the people, lands, and culture*, ed. Richard Frucht, vol.3, Santa Barbara, Calif: ABC-CLIO, 2005; Ivan T. Berend, *Decades of crisis: central and eastern Europe before World War II*, Berkeley, Calif. 1998; H. James Burgwyn, *Italian foreign policy in the interwar period: 1918-1940*, Westport 1997; R.J. Crampton, *Eastern Europe in the twentieth century - and after*, London 2003; Robert Elsie, *A biographical dictionary of Albanian history*, London 2012; idem, *Historical dictionary of Albania*, Lanham 2010; Bernd J. Fischer, "King Zog, Albania's interwar dictator", in *Balkan strongmen: dictators and authoritarian rulers of southeast Europe*, ed. Bernd J. Fischer, West Lafayette, Ind.: Purdue University Press, 2007; Duncan Heaton - Armstrong, *The six month kingdom: Albania 1914*, ed. Gervase Belfield and Bejtullah Destani, London 2005; Donika Hoxha, *Foreign policy of Ahmet Zog: the independent state of Albania, 1920-1926*, Rome 2010; Edwin E. Jacques, *The Albanians: an ethnic history from prehistoric times to the present*, North Carolina 1995; Barbara Jelavich, *History of the Balkans: twentieth century*, vol.2, Cambridge 1999; Ali Özkan, "Arnavutluk'ta Enver Hoca dönemi insan hakları ve Özgürlükler (1945-1985)", *Turkish studies*, vol.7/3 (summer 2012); Owen Pearson, *Albania and king Zog: independence, republic and monarchy 1908-1939*, London 2004; Alessandro Roselli, *Italy and Albania: financial relations in the Fascist Period*, London 2006; David Turnock, *Eastern Europe: an historical geography, 1815-1945*, London 2005; Mirand Vickers, *The Albanians: a modern history*, London 2001.

/ احسن اسدی /

زویمر^۲، ساموئل ماریئوس، مبلغ مسیحی و خاورشناس. زویمر در ۱۲ اوت ۱۸۶۷ / ۱۰ ربیع الآخر ۱۲۸۴ (۲۱ مرداد ۱۲۴۶) در ورزیند^۳ میشیگان در خانواده کشیشی پروتستان به

جمهوری به سلطنت تیره شد. از سوی دیگر، شاهزاده ویلهلم به دولتهای اروپایی اعلام کرد که هنوز مدعی سلطنت آلبانی است، اما چون از این کشورها پاسخ مناسبی دریافت نکرد، از ادعای خود دست کشید. شاهزغ سلطنت خود را مشروطه اعلام کرد، اما اقداماتش نشان داد که سلطنت وی استبدادی است. او در آذر ۱۳۰۷ / دسامبر ۱۹۲۸، قانون اساسی را تغییر داد. بر اساس این تغییرات، قوانین باید به تأیید شاه می‌رسید و اختیار عزل و نصب وزیران نیز در صلاحیت او قرار داشت. این قانون اساسی که تحت نفوذ سیاسی ایتالیای فاشیست تنظیم شده بود، حقوق مردم را نادیده می‌گرفت. شاهزغ به‌رغم حکومت استبدادی، نظم و ثبات را در آلبانی برقرار کرد. او همچنین به سرکوب شورشیان و خلع سلاح افراد مسلح پرداخت (ویکرز^۱، ص ۱۱۷؛ یلاویچ، ص ۱۸۱-۱۸۲؛ اوزکان^۲، ص ۲۰۵-۲۰۷؛ نیز به‌خصوص: ص ۱۷۵؛ آق‌یول، همانجا؛ جکس، ص ۳۶۸، ۳۸۷).

در ۱۳۰۹ ش / ژانویه ۱۹۳۱ شاهزغ به قصد درمان به وین رفت. در وین به‌وی سوء قصد شد که نجات یافت و در ۱۳۱۰ ش / ۱۹۳۱ به تیرانا بازگشت (السی، ۲۰۱۰، همانجا؛ همو، ۲۰۱۲، ص ۵۰۸).

شاهزغ در دهه بعد کوشش کرد آلبانی را تا حدی مستقل از اهداف استعماری موسولینی نگاه دارد و از همین‌رو در ۱۳۱۳ ش / ۱۹۳۴ قرارداد تجاری با یوگسلاوی امضا کرد. موسولینی که از این قرارداد خشمگین شده بود، با اتمام حجت به شاهزغ خواستار اتحاد گمرکی با آلبانی و تأسیس پایگاه نظامی در این کشور شد. آلبانی این اتمام حجت را نپذیرفت و ایتالیا در ۱۷ فروردین ۱۳۱۸ / ۷ آوریل ۱۹۳۹ آلبانی را اشغال کرد. شاهزغ به همراه اعضای خانواده‌اش ابتدا به یونان گریخت و مدتی بعد راهی انگلستان شد. زغ چندین سال تحت حمایت ملک فاروق، پادشاه مصر که اصالتاً آلبانیایی بود، در مصر زندگی کرد. او در آنجا جنبش سلطنت‌طلب قانونمندی را پایه‌گذاری کرد تا به کمک آلبانیایی‌های مهاجر ضد کمونیست سلطنتش را اعاده کند، اما این اقدام او موفقیتی در پی نداشت. پس از سرنگونی ملک فاروق در ۱۳۳۱ ش / ۱۹۵۲، زغ و خانواده‌اش به فرانسه مهاجرت کردند و سرانجام زغ در ۲۰ فروردین ۱۳۴۰ / ۹ آوریل ۱۹۶۱ در حومه پاریس درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد (آق‌یول، ص ۱۷، پانویس ۷۱، ص ۱۸-۱۹؛ خوجه، ص ۱۷۶؛ یلاویچ، ص ۲۱۸؛ السی، ۲۰۱۰، ص ۴۹۹-۵۰۰؛ نیز به همو، ۲۰۱۲، ص ۵۰۸-۵۰۹).

1. Vickers

2. Özkan

3. Samuel Marius Zwemer

4. Vriesland